



بنیاد ایران‌شناسی

واژه‌نامه توصیفی

# ایران‌شناسی

دکتر پوران طاحونی

عضو هیأت علمی بنیاد ایران‌شناسی

۱۳۹۷

## فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا

سرشناسه	: طاحونی، پوران، ۱۳۳۸ -
عنوان نام پدید آور	: واژه‌نامه توصیفی ایران‌شناسی / پوران طاحونی.
مشخصات نشر	: تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۰۴ ص.
شابک	: 978-600-97442-3-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ایران‌شناسی - اصلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	: Iran - Study and teaching - Terminology
موضوع	: فارسی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی
موضوع	: Persian language - Dictionaries - English
موضوع	: زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها - فارسی
موضوع	: English language - Dictionaries - Persian
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ و ۱۵ ط / ۶۴ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۰۴۹۸۵



عنوان: واژه‌نامه توصیفی ایران‌شناسی  
تدوین و تألیف: دکتر پوران طاحونی (عضو هیأت علمی بنیاد ایران‌شناسی)  
حروف‌چین: سمانه نقیبی  
صفحه‌آرا و طراح جلد: مونا طوسی  
ناشر: بنیاد ایران‌شناسی  
نوبت چاپ اول: ۱۳۹۷  
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۴۲-۳-۷  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ایران‌چاپ

کلید حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد ایران‌شناسی است.

## پیشگفتار

نگرش بایسته به مقوله ایرانشناسی و درک مفاهیم اساسی در این دانش سترگ، ضرورتی است که اینک بیش از پیش باید بدان پرداخته شود؛ چرا که مناظر و مزایای گشوده شده در برابر روی پژوهشگران ایرانشناسی، گذشته از رهاورد ارزشمند پژوهشهای ایرانیان و غیرایرانیان، گاه بدلیل کثرت آراء و اقوال ناسره و غالباً برگرفته از برداشتهای ناصواب مربوط به عدم شناخت از فرهنگ و تمدن بی‌مثال ایرانی خالی از نقصان نمی‌باشد. از یک روی با توقف مسامحه طولانی در تبیین ابعاد گسترده مطالعات ایرانشناسی از طریق تدوین آثار علمی مرجع و ایجاد بنیان مشرب مطالعات ایرانشناسی و از دگر روی با توصیه و تجویز عناوین پژوهشهای بنیادین در حوزه بسیط دانش ایرانشناسی می‌توان بخش قابل‌اعتنایی از این مسامحه دیرپای را جبران نمود.

شناخت ابعاد پر شمار فرهنگ و تمدن ایران زمین در اعصار گوناگون، بی‌شک با همراهی و همدلی نسل جوان به‌مثابه رمزگشایی از تاریخ، علاوه بر اکرام و اجلال هویت ایرانی-اسلامی، مسیر خودباوری ملت سرافراز ایران را برای توسعه علمی و مدنی خواهد گشود؛ چنانکه در کلام حضرت امیرالمومنین علیه آلف تحیه والسلام مصداق آن را به وضوح می‌توان دریافت: «عُمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْاَوْطَانِ» و «مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاؤُهُ عَلٰی مَا مَضٰی مِنْ زَمَانِهِ وَ حَنِينُهُ اِلٰی اَوْطَانِهِ»

در این مجال، تألیف و تدوین واژه‌نامه توصیفی ایرانشناسی که نتیجه تحقیق مستمر و صرف سالها پژوهش در موضوعات، اسناد و مدارک گوناگون بوده است، ارج نهاد، مراتب قدردانی خویش را از سرکار خانم دکتر طاحونی برای خلق این اثر ارزشمند و پاسخگویی به نیاز مبرم پژوهندگان ایرانشناسی ابراز می‌دارم.

سید محمد خامنه‌ای  
رئیس بنیاد ایرانشناسی

## مقدمه

ایران‌شناسی یا مطالعات ایرانی از شاخه‌های دانش خاورشناسی است و به مجموعه‌ای از مطالعات منظم و علمی وجوه گوناگون تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران اطلاق می‌شود. تاریخ دانش ایران‌شناسی همچون دیگر شاخه‌های خاورشناسی (اسلام‌شناسی، هندشناسی، ترک‌شناسی و مصرشناسی)، به تاریخ روابط غرب با شرق (ایران) باز می‌گردد.

برای آشنایی با دانش ایران‌شناسی، نگاهی اجمالی به تاریخ دانش خاورشناسی، ضروری است. اصطلاح جغرافیایی شرق، (محل طلوع خورشید)، در طول تاریخ به دلایل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، دچار تغییر در مفهوم و قلمرو جغرافیایی شده است. دنیای مقابل یونان و روم، سرزمین‌های شرق دریای مدیترانه، دنیای اسلام، شرق مرموز، سرزمین هند، سرزمین‌های مستعمره، قلمرو دولت عثمانی، شمال آفریقا، دنیای غیراروپایی و ... تنها برخی از مفاهیم و حدود شرق، در بازه‌های زمانی گوناگون است.

واژه اورینتالیسم (شرق‌شناسی یا خاورشناسی) در سال ۱۷۷۹ میلادی به زبان انگلیسی و بیست سال بعد به زبان فرانسوی راه یافت. در سال ۱۸۳۸، فرهنگستان فرانسه به آن رسمیت بخشید. برخلاف واژه، جریان خاورشناسی در مفهوم «پژوهش و شناخت دانش‌ها و آداب و رسوم مردم خاورزمین» سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. تاریخ اولین نوشته‌های شرق‌شناسی به سال‌ها قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. نوشته‌هایی چون، «تاریخ هرودوت درباره ایران عصر هخامنشی» و «تعبیر خاص ارسطو در مورد شرق» نوعی از خاورشناسی به شمار می‌روند.

با وقوع جنگ‌های صلیبی، شناخت شرق وارد مرحله جدیدی شد ولی آغاز شناخت منظم شرق، توسط غرب، به سال ۱۳۱۲ میلادی باز می‌گردد. در این سال، انجمن علمای مسیحی در وین تصمیم گرفتند، کرسی‌های زبان‌های عربی، عبری و یونانی را در شهرهای بزرگ تأسیس کنند.

اهداف اقتصادی عصر اکتشافات، مطالعه و شناخت شرق را به ضرورت تبدیل کرد و با توسعه استعماری غرب، مکاتب متنوع شرق‌شناسی ظهور کرد. شرق‌شناسی انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، روسی، ایتالیایی و آمریکایی، مکاتبی بودند که در ارتباط با منافع ملی و سیاسی این کشورها، برای مطالعه شرق به وجود آمد.

در سال ۱۸۷۳ میلادی، به منظور ارائه نتایج علمی پژوهش‌های شرق‌شناسان، اولین کنگره خاورشناسی در شهر پاریس برگزار شد. آخرین کنگره، در سال ۱۹۸۳، رویکردی ناحیه‌ای یافت و مطالعات آسیایی جایگزین خاورشناسی سنتی شد. در این دوره که بیش از یکصد سال به طول کشید در مجموع ۲۹ کنگره خاورشناسی برگزار شد ولی جایگاه مطالعات مربوط به ایران، غیرروشن و مبهم بود و بیشتر در ذیل مطالعات هند قرار داشت.

در ابتدای قرن نوزدهم میلادی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در هندوستان تا حدی بود که بدون آشنایی با آن، اداره سرزمین پهناور هند، برای دولت استعمارگر انگلستان ممکن نبود. از این رو همزمان با تأسیس «انجمن سلطنتی آسیایی بمبئی»، بخش مطالعات ایرانی، به عنوان مهمترین شعبه غیرهندی انجمن، تأسیس شد. راهیابی نتایج پژوهش‌های ایران‌شناسی از این طریق به اروپا، از عوامل مهم آشنایی جوامع دانشگاهی، با زبان و ادبیات فارسی و مذاهب ایران‌باستان بود. به همین دلیل، «انجمن سلطنتی آسیایی بمبئی»، پایه‌گذار نهاد «ایران‌شناسی»

و قرن نوزدهم را، دوره اعتلای این دانش، در غرب می‌دانند. در این قرن، انجمن‌های مهم خاورشناسی که در همه آنها، شاخه مطالعات ایرانی وجود داشت، در اروپا و آمریکا تأسیس شد. صدها ایران‌شناس به ترجمه آثار بزرگ ادبیات ایران پرداختند. خط میخی رمزگشایی و بسیاری از نکات تاریک تاریخ و تمدن ایران، روشن شد.

واژه «ایران‌شناسی»، برای اولین بار در ایران، توسط احمد کسروی و سپس ابراهیم پورداود استفاده شد. هانری گُربن در سال ۱۹۴۶ میلادی، در گزارش «وضعیت کنونی مطالعات ایرانی در ایران» برای نخستین بار از اصطلاح «ایرانولوژی» استفاده کرد.

وجه سیاسی تحقیقات خاورشناسی و به تبع آن ایران‌شناسی، همواره موجب نقدهای فراوان بر آن بود، تا حدی که، برخی براین باورند، حتی با بحث‌های صددرصد علمی ایران‌شناسان غیرایرانی، باید با سوءظن روبه‌رو شد.

با در نظر داشتن انصاف علمی و درک اهمیت مطالعات ایران‌شناسی که توسط انیرانیان انجام شده است، شاید بتوان گفت؛ اهداف و اغراض، سیاسی و اقتصادی تحقیقات، از علل ورود دانشمندان ایرانی به پژوهش‌های ایران‌شناسی و تلاشی در جهت شناخت ایران از منظر درون یا خودشناسی بود. حضور محققان ایرانی در کنگره‌های خاورشناسی، تأسیس مراکز ایران‌شناسی، انتشار نشریه‌ها و کتاب‌ها، برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی در کشور را می‌توان، تلاش فرهیختگان ایرانی در بازنویسی تاریخ و شناخت تمدن و فرهنگ خود دانست.

از همین منظر، بنیاد ایران‌شناسی، در سال ۱۳۷۶ خورشیدی تأسیس شد و با تعیین «ایران‌شناسی»، به عنوان، قلمرو اصلی فعالیت‌ها و تحقیقات، از سال ۱۳۸۰، به طور رسمی آغاز به کار کرد. طبق اساسنامه، وظایف بنیاد ایران‌شناسی در حوزه‌های پژوهش و آموزش، تمامی مسائل مربوط به «ایران» در مفاهیم «ایران فرهنگی - تاریخی»، «ایران زبانی»، «ایران جغرافیایی» و «ایران در تعاملات جهانی» را شامل می‌شود.

اساس سیاست تحقیقاتی این مرکز، پرداختن به پژوهش‌های بنیادی با روش «پژوهش‌های بین‌رشته‌ای» است. تجهیز و توسعه کتابخانه تخصصی و مرکز اسناد، طراحی و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، برگزاری هم‌اندیشی و همایش‌های ملی و بین‌المللی، برقراری ارتباط با ایران‌شناسان و مراکز ایران‌شناسی، انتشار کتاب، نشریه و گزارش، بخشی از فعالیت‌های بنیاد ایران‌شناسی است.

بنیاد ایران‌شناسی در راستای اهداف و انجام وظایف آموزشی، برای اولین بار در کشور، اقدام به طراحی و اجرای دوره‌های دانشگاهی کارشناسی‌ارشد و دکتری ایران‌شناسی کرد. هدف از تأسیس این رشته، تأمین نیروی انسانی، از طریق، آموزش و تربیت پژوهشگرانی است که قادر باشند با بهره‌گیری از روش مطالعات بین‌رشته‌ای، انجام پژوهش‌های ایران‌شناسی را، بر عهده گیرند.

رشته ایران‌شناسی در بنیاد ایران‌شناسی و با همکاری دانشگاه شهیدبهشتی، در سال ۱۳۸۳، با پذیرش دانشجو در ۳ گرایش «ایران‌شناسی؛ عمومی»، «ایران‌شناسی؛ تاریخ»، «ایران‌شناسی؛ فرهنگ مردم، آداب و رسوم و میراث فرهنگی» در دوره کارشناسی‌ارشد، راه‌اندازی و در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ با فعال شدن دوره‌های، کارشناسی‌ارشد «ایران‌شناسی؛ گرایش

اصول نسخه‌شناسی و مرمت نسخه‌های خطی و نسخه‌آرایی» و دوره دکتری «ایران‌شناسی» توسعه یافت. پس از اجرای موفق این رشته، در بنیاد ایران‌شناسی، دوره‌های کارشناسی‌ارشد ایران‌شناسی، در سایر دانشگاه‌های کشور نیز به اجرا درآمد.

رشته «ایران‌شناسی» همانند بسیاری دیگر از رشته‌های نو دانشگاهی، در فرآیند، توسعه دانش و در پیوند شاخه‌های متعدد علوم، تولد یافت. به بیان ساده، رشته «ایران‌شناسی» در دانشگاه‌های کشور، رشته‌ای نوپاست و تعریف و تبیین مفاهیم، فلسفه، روش و تهیه و تأمین ابزار پژوهشی و منابع مطالعاتی آن، همانند دیگر رشته‌های نو، چالش مستمری برای دانشگاهیان به شمار می‌رود. پس از سال‌ها حضور و تدریس در تحصیلات تکمیلی بنیاد ایران‌شناسی، یکی از کمبودهایی که با آن برخورد داشتم، فقدان فرهنگ یا واژه‌نامه تخصصی ایران‌شناسی بود و از آنجا که واژه‌نامه‌های تخصصی را، الفبای زبان علمی هر رشته می‌دانند، «واژه‌نامه توصیفی ایران‌شناسی»، فراهم آمد.

اهداف و کاربردهای این واژه‌نامه عبارت است از: آشنایی دانشجویان با گستردگی موضوعی، حوزه‌ها و واژگان تخصصی رشته ایران‌شناسی، کمک به درک و ترجمه مقاله‌های انگلیسی، تسریع در پژوهش از سایت‌های انگلیسی زبان، بی‌نیازی دانشجویان از مراجعه به کتاب‌های متعدد، کمک به دانشجویان در انتخاب موضوع و نگارش پایان‌نامه، ...

از نظر مؤلفان، فرهنگ‌نگاری و تهیه منابع مرجع، کار دشواری است. در ایران‌شناسی، بدلیل روشن نبودن قلمرو رشته و عدم امکان تعیین مرزهای دقیق آن با سایر علوم، دشواری افزایش می‌یابد. لذا با در نظر گرفتن، مفاهیم و تعاریف دانش ایران‌شناسی و گرایش‌های رشته تحصیلی ایران‌شناسی، قلمرو فرضی ترسیم و، وقایع تاریخی، آداب و رسوم، هنرها و صنایع دستی، اسطوره‌ها، مکان‌های جغرافیایی، اشخاص، کتاب‌ها، نشریات، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز ایران‌شناسی ...، بر مبنای اهمیت در تاریخ ایران‌شناسی و در بستر جغرافیای فرهنگی ایران، گردآوری و توصیف شد. هرچند هنوز سؤال‌هایی چون: ورود به حوزه‌های زیرمجموعه ایران‌شناسی، تا چه حد مجاز است؟ حجم توضیح هر واژه، چه میزان باید باشد؟ نیاز به پاسخ داشت. تنوع تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی ایران و از دیگر سو، فقدان تعاریف و مبانی نظری این دانش، پاسخگویی به سؤال‌ها را بسیار مشکل می‌کند، با این حال، روش کار و مبنای گزینش و توصیف واژه‌ها را می‌توان به اختصار به شرح زیر بیان کرد:

۱. انتخاب واژه‌ها از حوزه‌های متنوع تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران از دوران ماقبل تاریخ و تاکنون و در بستر گسترده جغرافیای فرهنگی ایران انجام شد.
۲. در انتخاب واژه‌ها، گرایش‌های رشته ایران‌شناسی در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری، مد نظر بود.
۳. اساس کار بر مبنای واژه‌یابی بود. لذا جستجو در دایرةالمعارف‌ها، دانشنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌های عمومی و تخصصی، منابع و مأخذ، کتاب‌های تخصصی، در حوزه‌های مرتبط انجام شد.
۴. در موضوع اسطوره، به ضرورت مطالعات تطبیقی، اساطیر تمدن‌های مجاور نیز انتخاب شد.

۵. در موضوع جغرافیا، از نمونه‌های جغرافیای ایران به عنوان نمونه، استفاده شد.
۶. اصطلاحات دانشی مورد نیاز دانشجویان چون، تز، رساله، استاد راهنما، گردآوری شد.
۷. در انتخاب معنی و توصیف، از اسم شهر، استفاده شد.
۸. در واژه‌های مشابه، حوزه موضوعی در داخل کمانک، متمایز شد.
۹. سطح توصیف واژه‌ها یکسان نیست. واژه‌هایی که جنبه نظری، تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی دارند، تا حد برآوردن نیاز اولیه دانشجویان توصیف و واژه‌های فنی، به معنای آن اکتفا شد.
۱۰. توصیف بسیاری از واژه‌ها، تألیف و بازنویسی است.
۱۱. تلاش شد، شرح واژه‌ها با عبارات کوتاه، واضح و در حداقل حجم، ارائه شود.

در تهیه این واژه‌نامه، منابع بسیاری، شامل کتاب، مقاله، بروشور، پایگاه اطلاعاتی فارسی و انگلیسی مورد استفاده قرار گرفت. برای پرهیز از طولانی شدن فهرست منابع، نام برخی از منابع که از آنها در گزینش واژه‌ها، استفاده بیشتری شده بود، در فهرست آمد، و از ذکر نام منابع متعدد مورد استفاده در توصیف واژه‌ها صرف نظر شد. درباره منابع و ارجاع‌دهی توضیحات زیر ضروری است:

۱. در توصیف واژه‌ها از منابع دست اول و اصلی استفاده شد.
۲. از وبگاه دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، برای توصیف برخی از واژه‌ها استفاده شد.
۳. بیشترین معادل‌های انگلیسی از مقاله‌های دانشنامه برخط ایرانیکا انتخاب شد.
۴. شکل لاتین واژه‌های فارسی از متن مقاله‌های تخصصی استخراج شد. در این خصوص مقاله‌های دانشنامه ایرانیکا منبع اصلی بود و از سایر مقاله‌های انگلیسی با توجه به اعتبار آنها، استفاده شد.
۵. حروف ربط بین کلمات دو بخشی منطبق بر شکل واژه در متن مقاله است.
۶. در تدوین نهایی، از ارجاع به منابع و مأخذی که برای استخراج یا توصیف مدخل استفاده شده بود به دلیل آنکه، تعداد کدهایی که در برابر هر مدخل قرار می‌گرفت می‌توانست منجر به بی‌نظمی بصری شود، پرهیز شد.
۷. اطلاعات آماری از پایگاه اطلاعاتی The Word Factbook استخراج شد.
۸. از نرم‌افزارهای متعدد چون واژه‌یاب، جغرافیای جهان اسلام، Word Web، Fastdic، Free Dictionary، Pro استفاده شد.

واژه‌نامه توصیفی ایران‌شناسی ۴۰۰۰ مدخل دارد. مداخل و متن آن طی سال‌هایی که در حال تدوین بود، بارها ویرایش شد. با این حال اذعان دارد نقایص اثر به مرور زمان و در پی ویرایش‌های متعدد برطرف خواهد شد. این واژه‌نامه از سه بخش، واژه‌نامه فارسی - انگلیسی با شرح و توصیف، واژه‌نامه انگلیسی - فارسی و فهرست منابع، تشکیل شده است.

نگارنده، تدوین و انتشار این کتاب را، مدیون و قدردان توجه ویژه ریاست محترم بنیاد ایران‌شناسی، حضرت آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، به موضوع ایران‌شناسی و واحد تحصیلات تکمیلی بنیاد ایران‌شناسی می‌داند. بی‌تردید، تأکید ایشان بر ضرورت تأمین منابع و مأخذ درسی ایران‌شناسی، ادامه کار را ممکن کرد. لذا بدینوسیله از توجه و مساعدت ریاست محترم بنیاد ایران‌شناسی، صمیمانه سپاسگزارم.

از استاد ارجمند، سرکار خانم دکتر مهری باقری، تدوین‌کننده و طراح برنامه آموزشی ایران‌شناسی و مؤسس و مدیر گروه‌های آموزشی این رشته، در بنیاد ایران‌شناسی که با صرف وقت «واژه‌نامه توصیفی ایران‌شناسی» را مطالعه و راهنمایی‌های ارزنده‌ای ارائه دادند، نهایت سپاس و امتنان را دارم.

برخود واجب می‌دانم از همکاری صمیمانه، سرکار خانم سمانه نقیبی، که زحمت چندین بار تایپ و نمونه‌خوانی دست‌نوشته‌ها و اصلاحات و کاستن‌ها و افزودن‌ها را با رویی خوش به انجام رساندند، قدردانی و سپاسگزاری کنم که اگر همکاری ایشان نبود، شاید هیچگاه به اتمام نمی‌رسید. همچنین از سرکار خانم مونا طوسی که زحمت صفحه‌آرایی و طراحی جلد را برعهده داشتند، سپاسگزارم.

در خاتمه از معاونین، مدیران و همکاران بنیاد ایران‌شناسی که هر یک به نحوی در به سرانجام رساندن این اثر مرا یاری داده‌اند، بسیار سپاسگزارم.

در تدوین این واژه‌نامه، سعی بر آن بود، کاری با کمترین نقص ارائه شود، اما بی‌گمان چنین نخواهد بود. امید است، اساتید و متخصصین محترم، مجموعه حاضر را مقدمه‌ای برای تدوین واژه‌نامه و فرهنگ‌های کامل‌تر و جامع‌تر در این حوزه بدانند و با ارائه دیدگاه‌ها و انتقادات، کمک به رفع کاستی‌های آن کنند.

پوران طاحونی

شهریور ماه ۱۳۹۶



کتاب‌ها:

۱. آرام، احمد، اصفیا، صفی، گل گلاب، حسین، مصاحب، غلامحسین، مقربتی، مصطفی، «فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی»، تهران، ۱۳۳۸.
۲. آشوری، داریوش، «دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)»، تهران، مروارید، ۱۳۸۶.
۳. استون، پیترا، «فرهنگنامه فرش شرق»، بیژن اربابی، تهران، جمال هنر، ۱۳۹۱.
۴. اسمعیلی تازه‌کندی، اصغر، رضایی، عربعلی، «واژه‌نامه آموزش عالی (فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی)»، تهران، بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، ۱۳۸۹.
۵. افشار، ایرج، «راهنمای تحقیقات ایرانی»، تهران، مرکز بررسی و معرفی فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۶. انوری، حسن، «فرهنگ بزرگ سخن»، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۷. اوشیدری، جهانگیر، «دانشنامه مزدیسنا (دانشنامه توضیحی آیین زرتشت)»، نشر مرکز، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۸.
۸. بنیاد ایران‌شناسی، «همایش ملی ایران‌شناسی، همایش‌نامه شماره ۵، مسائل عمومی ایران‌شناسی»، تهران، انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۱.
۹. بهار، مهرداد، «پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)»، تهران، آگاه، ۱۳۸۴.
۱۰. بهار، مهرداد، «ادیان آسیایی»، تهران، چشمه، ۱۳۸۶.
۱۱. پاکباز، روئین، «دایره‌المعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک)»، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
۱۲. جعفری، عباس، «فرهنگ بزرگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیائی)»، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۶۶.
۱۳. چکنی، ابراهیم، «فرهنگ دایره‌المعارف زبان و زبان‌ها»، تهران، بهنام، به سفارش دانشگاه لرستان، ۱۳۸۱.
۱۴. حبیبی، حسن، «طراحی مقدماتی برای ایران‌شناسی نظام یافته»، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹.
۱۵. حوزه معاونت اطلاع رسانی و همکاری‌های بین‌المللی بنیاد ایران‌شناسی، «آشنایی با بنیاد ایران‌شناسی»، تهران، انتشارات دایره سبز، ۱۳۸۱.
۱۶. خرم‌آبادی، محمد، «فرهنگ اساطیر ایران باستان»، تهران، آبگین‌ریان، ۱۳۸۶.
۱۷. خسروی، فریبرز، قدیمی، نرگس، «اصطلاحنامه فرهنگی سه زبانه (فارسی-انگلیسی-عربی)»، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۵.
۱۸. خلیلی، سیامند، «فرهنگ واژگان متون تاریخی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۱۹. درویشی، محمدرضا، «دایره‌المعارف سازهای ایرانی»، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور، ۱۳۸۰.

۲۰. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، «اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز»، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر، «لغت‌نامهٔ دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. دیاکونوت، میخائیل میخائیلوویچ، «تاریخ ایران باستان»، ترجمه روحی ارباب، چاپ ششم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲۳. رامین، علی، فانی، کامران، سادات، محمدعلی، «دانشنامه دانش‌گستر»، تهران، مؤسسه دانش‌گستر روز، ۱۳۸۹.
۲۴. رجبی، پرویز، «ایران‌شناسی؛ فرازها و فرودها؛ مکاتباتی با دکتر پرویز رجبی»، به کوشش کیانوش کیانی‌هفت‌لنگ، تهران، توس، ۱۳۸۱.
۲۵. روشن، علی‌اصغر، فرهادیان، نوراله، «فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی»، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۵.
۲۶. زرشناس، زهره، «درآمدی بر ایران‌شناسی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۲۷. زمردیان، محمدجعفر، «ژئومورفولوژی ایران (فرآیندهای ساختمانی و دینامیک‌های بیرونی)»، جلد اول، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۱.
۲۸. ستوده، منوچهر، مؤمنی، خورشید، «نامنامهٔ ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی)»، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. سبحان، ابوالقاسم، «فرهنگ خاورشناسان»، تهران، سبحان، ۱۳۵۶.
۳۰. سرودلیر، عظیم، «فرهنگ اصطلاحات عرفان و فلسفه‌ی اسلامی (فارسی به انگلیسی، انگلیسی به فارسی)»، مشهد، مرن‌دیز، ۱۳۸۹.
۳۱. سعید، ادوارد، «شرق‌شناسی»، لطفعلی خنجی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳۲. سلطانی، پوری، راستین، فروردین، «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی»، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
۳۳. سلطانی، علیرضا، «واژه‌نامه تخصصی برنامه‌ریزی شهری»، تبریز، احرار، ۱۳۸۸.
۳۴. سیدصدر، ابوالقاسم، «دایره‌المعارف هنر (سبک‌ها، شیوه‌ها، هنرمندان، مکاتب هنر، موسیقی، صنایع دستی و سایر مباحث بنیادین)»، تهران، سیمای دانش، ۱۳۸۳.
۳۵. سیدصدر، ابوالقاسم، «دایره‌المعارف نقاشی»، تهران، سیمای دانش، ۱۳۸۸.
۳۶. سیف‌الدینی، فرانک، «فرهنگ واژگان تخصصی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، تهران، آبیژ، ۱۳۸۵.
۳۷. شایان، سیاوش، «فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی طبیعی»، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۳.
۳۸. شجاعی، حیدر، «اشارات (فرهنگ اصطلاحات صوفیه)»، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۹.
۳۹. شفاء، شجاع‌الدین، «بیست قرن رابطه فرهنگی ایران و ایتالیا»، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۴۱.
۴۰. شفاء، شجاع‌الدین، «جهان ایران‌شناسی»، ۲ جلد، تهران، کیهان، ۱۳۴۸.
۴۱. شیخ‌زاده، رحیم، «ده هنر، هزار واژه»، تهران، اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه، ۱۳۸۲.



۶۲. موسوی، سید محمود (ویراستار)، «فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی»، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۲.
۶۳. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی»، جلد دوم، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۶۴. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، «دانشنامه ایران»، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۶۵. موسوی گرمارودی، علی، «مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسائل ایران‌شناسی»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
۶۶. مؤمنی، مهدی، «فرهنگ جغرافیائی (حاوی لغات و اصطلاحات مورد استفاده در جغرافیا)»، اصفهان، گراورسازی ناهید، ۱۳۵۹.
۶۷. یاحقی، محمدجعفر، «فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی»، تهران، سروش، ۱۳۶۹.

### وبگاه‌ها:

1. The World Factbook [http://www.cia.gov/library/the\\_world\\_factbook](http://www.cia.gov/library/the_world_factbook)
2. Societas Iranologica Europaea [www.societasiranologicaeu.org](http://www.societasiranologicaeu.org)
3. Cambridge University Press [www.cambridge.org](http://www.cambridge.org)
4. Encyclopaedia Britannica <http://www.britannica.com>
5. Encyclopaedia Iranica <http://iranicaeonline.org/>